



تحلیل و بررسی
مبانی کلامی تفسیر قرآن کریم
بر محور آثار شیخ طوسی

دکتر محمد سلطانی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
زمستان ۱۳۹۴

سلطانی، محمد، ۱۳۴۴ -
 تحلیل و بررسی مبانی کلامی تفسیر قرآن کریم بر محور آثار شیخ طوسی / محمد سلطانی. - قم: پژوهشگاه
 حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۴.
 ده، ۲۷۸ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه؛ ۳۴۷: قرآن پژوهی؛ ۳۵)
 ISBN: 978-600-298-110-3
 بها: ۱۱۱۰۰۰ ریال
 فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.
 کتابنامه: ص. [۲۶۳-۲۶۶: همچنین به صورت زیر نویس.
 نمایه.
 ۱. تفاسیر شیعه - قرن ۵ ق. ۲. طوسی، محمد بن حسن، ۳۸۵-۴۶۰ ق. ۳. کلام شیعه امامیه. الف. پژوهشگاه
 حوزه و دانشگاه. ب. عنوان.
 ۱۳۹۴ ۳ ت ۷۶ س / BP ۹۴
 شماره کتابشناسی ملی
 ۲۹۷ / ۱۷۲۶
 ۴۰۹۰۵۳۵



تحلیل و بررسی مبانی کلامی تفسیر قرآن کریم بر محور آثار شیخ طوسی

مؤلف: دکتر محمد سلطانی (عضو هیئت علمی دانشگاه اصفهان)

ویراستار: سعیدرضا علی عسکری

صفحه آرای: کاما

چاپ اول: زمستان ۱۳۹۴

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - جعفری

قیمت: ۱۱۱۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۳۲۱۱۱۱۰۰ - ۰۲۵ (انتشارات: ۳۲۱۱۱۳۰۰) نمایر: ۳۲۸۰۳۰۹۰
 ص.پ. ۳۱۵۱ - ۳۷۱۸۵ ● تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، نبش کوی اُسکو، تلفن: ۰۲۱ - ۶۶۴۰۲۶۰۰
 فروش اینترنتی: www.ketab.ir/rihu info@rihu.ac.ir www.rihu.ac.ir

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی (ره) بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

کتاب حاضر می‌تواند به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته‌های «علوم قرآن و حدیث» و «فلسفه و کلام» در مقطع کارشناسی ارشد و دکترا معرفی شود همچنان که پژوهشگران عرصه تفسیر قرآن و کلام، به‌ویژه کلام شیعی، نیز می‌توانند از این کتاب بهره ببرند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه بر خود لازم می‌داند از مؤلف محترم اثر جناب آقای دکتر محمد سلطانی و نیز ناظر محترم حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد اسعدی سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

پیشگفتار.....	۱
فصل اول: مفاهیم و کلیات.....	۵
۱. مفاهیم و تعریف‌ها.....	۵
۱-۱. مبانی.....	۵
۲-۱. علم کلام.....	۶
۳-۱. تفسیر قرآن کریم.....	۸
۴-۱. مبانی کلامی تفسیر قرآن.....	۱۰
۵-۱. تحلیل مبانی کلامی.....	۱۲
۲. کلیات.....	۱۴
۱-۲. مناسبات علم کلام و تفسیر قرآن.....	۱۴
۲-۲. شیخ طوسی.....	۱۶
۳-۲. تفسیر التبیان.....	۲۰
۴-۲. شیخ طوسی و علم کلام.....	۲۳
فصل دوم: مبانی کلامی تفسیر در حوزه خداشناسی.....	۲۵
۱. توحید صفاتی.....	۲۵
بیان مبحث کلامی.....	۲۵
تحلیل مبنای کلامی.....	۲۸
تأثیر مبنای کلامی در تفسیر آیات.....	۲۹
۲. علم الهی.....	۳۱
بیان مبحث کلامی.....	۳۱
تحلیل مبنای کلامی.....	۳۲
تأثیر مبنای کلامی در تفسیر آیات.....	۳۲

۳۳	۱-۲. علم حادث
۳۸	۲-۲. شک و تردید
۳۸	۳-۲. نفی علم از خداوند
۴۰	۳. اراده خداوند
۴۰	بیان مبحث کلامی
۴۱	تحلیل مبنای کلامی
۴۳	تأثیر مبنای کلامی در تفسیر
۴۶	۴. کلام الهی
۴۶	بیان مبحث کلامی
۴۹	تحلیل مبنای کلامی
۵۰	۵. عدل و حکمت الهی
۵۰	بیان مبحث کلامی
۵۴	تحلیل مبنای کلامی
۵۶	تأثیر مبنای کلامی در تفسیر
۵۶	۱-۵. عدل الهی و اصل فهم‌پذیری قرآن کریم
۵۹	۲-۵. عدل و حکمت الهی و حجیت ظواهر قرآن
۶۳	پیوست به موضوع: اخباریان و ظواهر قرآن
۶۴	۳-۵. عدل و حکمت الهی و روایات تفسیری
۶۷	۴-۵. عدل و حکمت الهی و آیات متناقض‌نما
۷۲	۵-۵. عدل و حکمت الهی و نسخ آیات
۷۴	۶-۵. عدل و حکمت الهی و تفسیر آیات
۷۵	۱-۶-۵. نسبت اضلال به خداوند
۸۱	۲-۶-۵. مکر و کید
۸۴	۳-۶-۵. جَبَّار و مُتَكَبِّر
۸۵	۴-۶-۵. تعطیل کردن ابزارهای شناخت
۹۱	۶. صفات سلبی؛ نفی رؤیت، نفی جسمانیت
۹۱	بیان مبحث کلامی
۹۵	تحلیل مبنای کلامی
۹۶	تأثیر مبنای کلامی در تفسیر
۹۶	۱-۶. رؤیت
۹۷	۱-۱-۶. نگاه به پروردگار
۹۸	۲-۱-۶. در معراج
۹۹	۳-۱-۶. معنای حجاب
۱۰۰	۴-۱-۶. پاداش نیکوکاران

۱۰۰	۲-۶. مکان و جهت
۱۰۳	۱-۲-۶. نزد خداوند (عند الله)
۱۰۴	۲-۲-۶. به سوی خداوند (الی الله)
۱۰۵	۳-۲-۶. خداوند والا و همراه
۱۰۶	۴-۲-۶. در برابر خداوند
۱۰۷	۵-۲-۶. آمدن خداوند
۱۰۹	۶-۲-۶. تفسیر برخی صفات خداوند
۱۰۹	۷-۲-۶. نشستن بر عرش
۱۱۲	۳-۶. اعضا و جوارح
۱۱۵	خلاصه و نتیجه‌گیری
۱۱۷	فصل سوم: مبانی کلامی مربوط به قرآن کریم
۱۱۷	۱. قرآن کریم؛ سخن خداوند
۱۱۷	بیان مبحث کلامی
۱۲۰	تحلیل مبنای کلامی
۱۲۱	تأثیر مبنای کلامی در تفسیر
۱۲۳	۲. یگانگی قرآن کریم
۱۲۳	بیان مبحث کلامی
۱۲۷	تحلیل مبنای کلامی
۱۲۸	تأثیر مبنای کلامی در تفسیر
۱۲۹	پیوست موضوع: قرائت معتبر نزد شیخ طوسی
۱۳۲	۳. خُدُوث قرآن
۱۳۲	بیان مبحث کلامی
۱۳۴	تحلیل مبنای کلامی
۱۳۵	تأثیر مبنای کلامی در تفسیر
۱۳۵	۱-۳. شأن و سبب نزول
۱۳۷	پیوست موضوع: پیرامون شأن و سبب نزول
۱۴۲	۲-۳. قرآن و فرهنگ زمانه
۱۴۴	۴. حکمت قرآن
۱۴۴	بیان مبحث کلامی
۱۴۵	تحلیل مبنای کلامی
۱۴۶	تأثیر مبنای کلامی در تفسیر
۱۴۶	۱-۴. ارتباط و تناسب درون آیه
۱۴۸	پیوست موضوع: تناسب اختتام و مفاد آیه

۱۵۰	۲-۴. ارتباط و تناسب بین آیات
۱۵۳	۳-۴. سیاق آیه و آیات قرآن
۱۵۵	پیوست موضوع: شناسایی سیاق آیه
۱۵۷	۴-۴. نبودن تناقض میان آیات قرآن
۱۶۰	پیوست موضوع: نفی تناقض و پدیده نسخ
۱۶۳	۵-۴. تأثیر عقل در تفسیر قرآن
۱۶۵	پیوست موضوع: تفسیر به عقل، تفسیر به رأی
۱۶۶	۶-۴. بنای عقلا و تفسیر قرآن
۱۶۷	پیوست به موضوع: حَبط
۱۶۸	۵. قرآن؛ بیان و تبیان (مرجعیت قرآن کریم)
۱۶۸	بیان مبحث کلامی
۱۶۹	تحلیل مبنای کلامی
۱۷۰	تأثیر مبنای کلامی در تفسیر قرآن
۱۷۰	۱-۵. تفسیر قرآن به قرآن
۱۷۲	۲-۵. مرجعیت قرآن کریم در علوم اسلامی
۱۷۳	۱-۲-۵. کلام
۱۷۴	۲-۲-۵. فقه
۱۷۵	۳-۲-۵. اصول فقه
۱۷۵	۴-۲-۵. حدیث
۱۷۶	۳-۵. مرجعیت قرآن کریم در علوم طبیعی
۱۷۷	۶. تحریف نشدن قرآن
۱۷۷	بیان مبحث کلامی
۱۷۸	الف) مرحله تنزیل: فروآمدن سخنان الهی از سوی خداوند بر پیامبر ﷺ
۱۷۹	ب) مرحله تبلیغ
۱۸۰	ج) مرحله تدوین
۱۸۱	تحلیل مبنای کلامی
۱۸۲	تأثیر مبنای کلامی در تفسیر قرآن
۱۸۳	۷. حق بودن قرآن
۱۸۴	بیان مبحث کلامی
۱۸۵	تحلیل مبنای کلامی
۱۸۶	تأثیر مبانی کلامی در تفسیر قرآن
۱۸۶	۱-۷. موافقت با عقل
۱۸۸	۲-۷. موافقت با واقعیت خارجی
۱۹۱	۳-۷. موافقت با ساختار زبان

۱۹۱	۷-۳-۴. قاعده تقریر
۱۹۲	۸. جاودانگی و فراگیری قرآن کریم
۱۹۳	بیان مبحث کلامی
۱۹۴	تحلیل مبنای کلامی
۱۹۴	تأثیر مبانی کلامی در تفسیر قرآن
۱۹۵	۹. وقوع نسخ در قرآن کریم
۱۹۶	بیان مبحث کلامی
۱۹۷	تحلیل مبنای کلامی
۱۹۷	تأثیر مبانی کلامی در تفسیر قرآن
۱۹۹	خلاصه و نتیجه گیری
۲۰۱	فصل چهارم: مبانی کلامی مربوط به اولیای الهی، پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام
۲۰۱	پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۲۰۲	۱. عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله
۲۰۲	بیان مبحث کلامی
۲۰۴	تحلیل مبنای کلامی
۲۰۴	تأثیر مبانی کلامی در تفسیر قرآن
۲۰۴	۱-۱. عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله ، حجیت قرآن و سنت
۲۰۵	۲-۱. عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله ، تفسیر قرآن به قرآن و سنت
۲۰۶	۳-۱. عصمت پیامبر صلی الله علیه و آله و تفسیر برخی آیات
۲۰۷	۲. عصمت پیامبران الهی
۲۰۷	تحلیل مبنای کلامی
۲۰۸	تأثیر مبانی کلامی در تفسیر قرآن
۲۰۸	۱-۲. حضرت آدم علیه السلام
۲۰۹	۲-۲. حضرت ابراهیم علیه السلام
۲۱۰	۳-۲. حضرت یوسف علیه السلام
۲۱۲	۳. عصمت دوازده جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله
۲۱۲	بیان مبحث کلامی
۲۱۳	تحلیل مبنای کلامی
۲۱۳	تأثیر مبانی کلامی در تفسیر قرآن
۲۱۴	خلاصه و نتیجه گیری
۲۱۵	فصل پنجم: مبانی کلامی مربوط به مخاطب قرآن (فهم کننده، مفسر)
۲۱۵	۱. اعتبار درک عقلی مخاطبان
۲۱۵	بیان مبحث کلامی

۲۱۶	تحلیل مبنای کلامی
۲۱۶	تأثیر مبانی کلامی در تفسیر قرآن
۲۱۸	۲. اعتبار فهم
۲۱۸	بیان مبحث کلامی
۲۱۹	تحلیل مبنای کلامی
۲۲۰	تأثیر مبانی کلامی در تفسیر قرآن
۲۲۱	خلاصه و نتیجه‌گیری
۲۲۳	فصل ششم: مبانی کلامی مربوط به حقایق غیبی
۲۲۴	۱. ذات باوری درباره موجودات غیب
۲۲۴	بیان مبحث کلامی
۲۲۷	تحلیل مبنای کلامی
۲۲۷	تأثیر مبنای کلامی در تفسیر آیات
۲۲۸	۱-۱. فرشته‌شناسی
۲۳۱	۲-۱. ابلیس، شیطان، شیاطین
۲۳۲	۲. دامنه اختیار موجودات غیبی
۲۳۳	بیان مبحث کلامی
۲۳۴	تأثیر مبنای کلامی در تفسیر آیات
۲۳۵	۱-۲. عصیان فرشتگان
۲۳۷	۲-۲. دایره اختیار شیطان
۲۴۲	۳. جهان غیب؛ از حقیقت عینی تا نمادانگاری
۲۴۲	بیان مبحث کلامی
۲۴۴	تحلیل مبحث کلامی
۲۴۵	تأثیر مبنای کلامی در تفسیر آیات
۲۵۰	پیوست به موضوع: عالم ذر
۲۵۲	پیوست به موضوع: عرش و کرسی
۲۵۴	پیوست به موضوع: جزای کردارها یا تجسم اعمال
۲۵۷	خلاصه و نتیجه‌گیری
۲۵۹	فرجام سخن
۲۶۳	منابع و مأخذ
۲۶۷	نمایه‌ها

پیشگفتار

ستایش و سپاس پروردگار جهان‌آفرین راست که برترین آفریده خویش، محمد مصطفی صلی الله علیه و آله را به راهنمایی بندگان خود فرستاد و کلام خود را بر دل آن پیامبر راستین نشانده و درود بی‌پایان بر پیام‌آور رحمت، فرستاده دادار، و دوازده جانشین پیراسته و والای آن بزرگوار باد که لحظه‌ای از راهنمایی و دستگیری آدمیان فرونشستند. و برقرار و استوار باد کلام دلنشین، پرژرفا و استوار الهی که هر روز بیش از پیش عقل و اندیشه خردمندان را رهنمون است و دل و جان عارفان را تازگی می‌بخشد.

در کنار علوم ادبی و اصول و قواعد زبان عربی، مباحث اعتقادی و مبانی کلامی بیشترین تأثیر را در تفسیر آیات الهی دارند. گستردگی و ژرفای این تأثیر تا بدانجاست که از سویی می‌توان گفت هیچ آیه‌ای از قرآن کریم را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن مبانی کلامی تفسیر کرد؛ زیرا دست‌کم تفسیر آن آیه بر پایه حجیت ظواهر کلام شکل می‌گیرد که حجیت ظواهر نیز براساس اصل عدل الهی استوار است. و از سوی دیگر، دیدگاه‌های کلامی مفسران تا آنجا در فهم و تفسیرشان از قرآن کریم تأثیرگذار است که تفسیر یک اندیشمند شیعی امامی، با تفسیر مفسران اهل حدیث (ظاهرگرا، سلفی) یا اشعری مسلک یا معتزلی، یا باطنی (اهل تأویل) بسیار متفاوت است. این تفاوت بسیار گسترده و پر دامنه است تا آنجا که یکی از مشخصه‌های اصلی و بارز هر تفسیری، مبانی کلامی و مباحث اعتقادی است که آن تفسیر بر پایه آنها استوار است. شیعیان امامی با توجه به باورهای عمیق و ریشه‌دار، دارای مبانی خاص کلامی در عرصه تفسیر قرآن هستند و از آن روی که شیخ طوسی شخصیتی اثرگذار و تعیین‌کننده، بلکه مرجع و پیشوای شیعه در عرصه‌های فقه، کلام، تفسیر، و حدیث به شمار می‌آید؛ برای تنظیم، تدوین و تحلیل مبانی کلامی تفسیر شیعه یکی از بهترین گزینه‌ها، آثار شیخ الطائفه، ابو جعفر محمد بن حسن طوسی است.

در خصوص مبانی کلامی تفسیر قرآن، آثاری اعم از کتاب، رساله و مقاله تألیف و انتشار یافته‌اند. مانند؛ کتاب مفهوم العدل فی تفسیر المعتزله، اثر محمود کامل، مقاله‌های: «مبانی کلامی شیعه در تفسیر المیزان»، اثر منوچهر خلیلی، «آرا و نظریات کلامی تفسیر مجمع البیان»، اثر عبدالحمید صفوی، «مبانی کلامی تفسیر موضوعی و نقش پیش فرض‌ها و مبانی کلامی در فهم و تفسیر قرآن»، اثر علی نصیری و «درآمدی بر مبانی کلامی استنباط از قرآن» اثر احمد مبلغی.

آثاری چند نیز در بیان و بررسی روش شیخ طوسی در تفسیر قرآن ارائه شده‌اند. مانند کتاب روش شیخ طوسی در تفسیر تبیان، نوشته اکبر قمی ایرانی، و مقاله‌های: «مقدمه‌ای بر آرا و نظریات کلامی شیخ طوسی در تفسیر تبیان»، اثر محمود فاضل و «تحلیلی بر رویکرد تفسیری شیخ طوسی»، اثر دکتر محسن قاسم‌پور. این آثار را بدان دلیل که بخش‌هایی را به طرح مبانی کلامی شیخ طوسی در تفسیر اختصاص داده‌اند، می‌توان پیشینه خاص تحقیق حاضر دانست.

کتاب روش شیخ طوسی در تفسیر تبیان (برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد آقای اکبر قمی ایرانی در دانشگاه امام صادق علیه السلام): در بخش اول کتاب، تفسیر تبیان و منابع آن معرفی شده است. بخش دوم درباره روش شیخ طوسی در طرح مباحث تفسیر، روش‌های تفسیر، تفسیر به عقل و مذاهب تفسیری است. بخش سوم به جایگاه نقل در تبیان اختصاص دارد و در آن تفسیر قرآن به سنت و اقوال صحابه و تابعان بررسی شده است. بخش چهارم درباره جایگاه مباحث کلامی در تبیان است و مباحث متکلمان و متشابهات قرآن، سیمای کلامی تبیان و آرای کلامی شیخ طوسی در تبیان را دربر دارد.

مقاله «مقدمه‌ای بر آرا و نظریات کلامی شیخ طوسی در تفسیر تبیان» (عرضه‌شده در کنگره بزرگداشت شیخ طوسی): مؤلف پس از مقدمه‌ای درباره تاریخ کلام و به‌ویژه کلام شیعی و معرفی متکلمان متقدم شیعه، به روش شیخ طوسی در طرح مباحث کلامی در تفسیر تبیان می‌پردازد. سپس مؤلف فهرستی از ۵۶ مبحث کلامی و موارد طرح آن در تفسیر تبیان را ارائه می‌دهد. این مقاله، هرچند خواننده را در ردیابی مباحث کلامی در تفسیر تبیان بسیار یاری می‌کند؛ ولی ارتباط مباحث کلامی و تفسیر قرآن را آشکار نمی‌سازد و مبنای بودن مباحث کلامی را تحلیل نمی‌کند.

مقاله «تحلیلی بر رویکرد تفسیری شیخ طوسی» (مجله مصباح، س ۱۲، ش ۴۸): مؤلف در این مقاله، به مطالبی درباره شیخ طوسی، پیشینه تفسیر و تفسیر صحیح از دیدگاه شیخ، تفسیر تبیان، نظر شیخ درباره تفسیر به رأی، منابع تفسیر تبیان، جایگاه مسائل لغوی و قرائات و قصص

و روایات در تبیان می‌پردازد. پس از آن؛ تاریخچه کوتاهی از علم کلام، طرح مباحث کلامی در تبیان را در پنج مشخصه بررسی می‌کند: گزارش نظریات متکلمان، عنایت به آرای معتزله، موضع‌گیری در برابر اندیشه‌های کلامی غیر شیعی، اثبات اصول و قواعد کلامی شیعه، و محور بودن استدلال و خردورزی در تفسیر قرآن. از مجموع این مباحث تنها همین عنوان آخر را می‌توان به عنوان یکی از مبانی کلامی شیخ طوسی در تفسیر مورد توجه قرار داد.

با توجه به آنچه گذشت هیچ‌یک از پژوهش‌های یادشده، به‌ویژه به مبانی کلامی تفسیر شیعی، به‌ویژه تفسیر تبیان، نپرداخته و این مبحث مهم و بنیانی را بررسی نکرده است. آثار موجود در موضوع مبانی کلامی تفسیر شیخ طوسی نیز از حد کتابچه و مقاله فراتر نرفته است و گذشته از پرداختن استطرادی به مسئله، درصدد تحلیل عقلی و عقلایی آن مبانی برنیامده‌اند. براساس فحص و جستجو، به اثری جامع که با هدف تدوین و تحلیل مبانی کلامی شیعه — به‌طور کلی یا در آثار شیخ طوسی — در عرصه تفسیر تألیف شده باشد، دست نیافتیم.

بنابراین، افزون بر ضرورت ذاتی چنین تحقیقی به دلیل جایگاه شیخ طوسی در فرهنگ شیعی و از جمله در قلمرو تفسیر و کلام، و اهمیت تحلیل مبانی کلامی تفسیری دانشمندان شیعی، فقدان پیشینه این پژوهش ضرورت آن را دوچندان می‌کند.

در این پژوهش، در هر فصل، نخست مبانی کلامی تفسیر قرآن، به عنوان یک مبحث کلامی، تبیین و تشریح و مستدل می‌شوند. این مبانی ممکن است به پشتوانه ادله عقلی یا نقلی و یا هر دو اثبات شود. برای نمونه، عقل درک می‌کند که جسم حادث و محتاج است و خداوند از این دو منزله است. پس خداوند جسم و جسمانی نخواهد بود.

در مرحله دوم ثابت می‌شود که شیخ طوسی این مبحث کلامی را در تفسیر قرآن مبنا قرار داده و منابع، قواعد یا محتوای تفسیر آیاتی را بر آن پایه گذاشته است و این عملکرد شیخ طوسی بنا بر ادله عقلی یا روش عقلایی تحلیل می‌شود.

و در مرحله سوم نمونه‌هایی از تأثیر مبنای کلامی در تفسیر آیات قرآن شمرده می‌شود. برای نمونه، شیخ طوسی آیاتی را که در ظاهر، جهت‌مندی، یا جوارح و اندام‌ها را به خداوند نسبت می‌دهد، براساس اصل کلامی «نفی جسمانیت» تفسیر می‌کند.

برخی مبانی کلامی، چند گونه تأثیر در تفسیر قرآن باقی می‌گذارند؛ در این موارد، آثار به واسطه شماره‌گذاری از یکدیگر تفکیک می‌شوند. و در برخی از مباحث، مطالبی به صورت تکمیلی آمده است که به عنوان «پیوست موضوع» طرح شده است.

نویسنده لازم می‌داند از راهنمایی‌ها و نکته‌سنجی‌های عموم اساتیدی که در شکل‌گیری این اثر نقش داشته‌اند تشکر نماید. به‌ویژه حضرات اساتید حجج اسلام والمسلمین محمود رجبی، سید محمود طیب‌حسینی، علی شیروانی و محمد اسعدی. همچنین جا دارد از پژوهشگاه حوزه و دانشگاه و دوستان مدیریت آموزش و مدیریت امور پژوهشی که در مراحل مختلف تهیه این اثر همکاری داشتند، تقدیر نمایم.

محمد سلطانی

اسفند ۱۳۹۴

فصل اول

مفاهیم و کلیات

در بخش نخست این فصل به توضیح و تعریف مفاهیم اساسی و محوری مانند تفسیر قرآن، علم کلام، مبانی کلامی تفسیر، تحلیل و بررسی مبانی کلامی می‌پردازیم. و در بخش دوم به مباحثی کلی خواهیم پرداخت که در سرتاسر کتاب قابل توجه و اهمیت‌اند؛ مانند مناسبات علم کلام و تفسیر قرآن، حیات علمی شیخ طوسی و ویژگی‌های تفسیر ارجمند التبیان.

۱. مفاهیم و تعریف‌ها

۱-۱. مبانی

مبانی جمع مبنا، مصدر میمی و به معنای مفعول از «بنی یبنی» و به معنای پایه، اساس و زیرساخت است. ماده «بنی» در ساخت اشیای محسوس به کار می‌رود، چنان که قرآن کریم این ماده را در مورد ساخت آسمان به کار می‌برد: «وَالسَّمَاءَ بَنَاءً» (بقره، ۲۲).^۱ و درباره پایه‌گذاری و ساخت امر معنوی و نامحسوس نیز به کار می‌رود، چنان که در حدیث نبوی آمده است: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى عَشْرَةِ أَسْهُمٍ» (حرّ عاملی، ۱۴۱۴، ج ۹، ص ۶).^۲

شیخ طوسی در تفسیر آیه ۴۰ سوره بقره، واژه «ابن» را چنین ریشه‌یابی می‌کند: «ابن، از بناء ریشه گرفته است، و بناء، به معنای قرار دادن چیزی بر چیز دیگر است، و پسر بر پدر قرار گیرد، آن چنان که بناء بر پایه‌ای ساخته می‌شود (شیخ طوسی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۸).^۳ در نوشته‌های علمی نیز اصطلاح «مَبْنِیُّ عَلَی» بسیار به کار می‌رود، چنان که شیخ طوسی می‌نویسد: «بأور خوارج بر اینکه هر کس گناه کبیره انجام دهد، کافر است؛ مبنی بر آن است که آیه

۱. «و آسمان را ساختمان (قرار داده)».

۲. «اسلام بر ده بخش بنا گذاشته شده است».

۳. «أصله من البناء وهو وضع الشيء على الشيء والابن مبنی على الاب تشبيهاً للبناء على الأصل».

«وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ» (مائده، ۴۴)^۱ عمومیت دارد [و شامل حال همه گناهکاران می‌شود] و ما بطلان این سخن را روشن ساخته‌ایم (شیخ طوسی، ۱۴۰۰، ص ۱۴۵). براساس سخن شیخ طوسی، باور خوارج (درباره کفر گناهکار) بر این استوار است که آیه یادشده عمومیت دارد و شامل همه گناهکاران می‌شود، حال آنکه این آیه چنین عمومیتی ندارد و هر گناهکاری را دربر نمی‌گیرد.

مبنا را می‌توان چنین تعریف کرد: گزاره‌ای علمی که به گونه‌ای مستقیم یا با واسطه، پایه و اساس اثبات گزاره‌ای دیگر می‌شود. ممکن است مبنا از دانشی دیگر برگرفته شده باشد. برای نمونه، حجیت و اعتبار روایات آحاد تفسیری مبنی بر ادله حجیت خبر واحد و جریان آن ادله در احادیث تفسیری است. حجیت خبر واحد و حوزه فراگیری آن، یکی از مبانی علم تفسیر است که باید در اصول فقه بحث و بررسی شود.

و گاه مبنا و آنچه بر پایه مبنا به دست آمده (مَبْنِیُّ عَلَیْهِ)، هر دو در یک دانش جای می‌گیرند. برای نمونه اصل عدل الهی مبنای اثبات عصمت پیامبران است. براساس اصل عدل، خداوند آنچه را که عقل قبیح بشمارد، انجام نمی‌دهد و برانگیختن پیامبر گناهکار به حکم عقل قبیح است. پس پیامبران الهی از گناه معصوم‌اند. در این نمونه، اصل عدل الهی مبنای باور عصمت انبیاست و هر دو مبحث کلامی‌اند.

۱-۲. علم کلام

باورها در هر دین و فرقه، بخش تعیین‌کننده و اصلی آن به شمار می‌آیند، تا آنجا که تمایز ادیان و فرقه‌های گوناگون براساس عقاید صورت می‌گیرد. مباحث اعتقادی در اسلام، از همان ابتدا و از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آغاز شد. در مکه، پیامبر صلی الله علیه و آله در برابر عقاید بت پرستان و مشرکان است و پس از هجرت به مدینه، این بحث‌ها و منازعه‌ها گسترده‌تر شد؛ پیامبر صلی الله علیه و آله و مسلمانان با یهودیان و مسیحیان روبه‌رو می‌شوند و از صابئیان و مجوس نیز سخن به میان می‌آید.

با گسترش اسلام به سرزمین‌های بزرگ عراق، ایران، شام و مصر و آشنایی مسلمانان با اندیشه‌ها و باورهای گوناگون، پرسش‌های پررنگ‌تر و گسترده‌تری نیز در حوزه عقاید دینی پدید آمدند، تا آنجا که حتی افرادی در جامعه اسلامی می‌زیستند که وجود خداوند و پیامبری پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را نیز باور نداشتند و ناباوری خویش را نیز آشکار می‌کردند و مجالس بحث گفتگو میان

۱. «و هر کس به آنچه خداوند فرو فرستاده، حکم نکند؛ پس هم آنان کافران‌اند».

آنان و اندیشمندان مؤمن تشکیل می‌شد، چنان که عبدالکریم بن ابی‌العوجاء نماینده اندیشه الحادی، و امام صادق علیه السلام در جایگاه پیشوای مؤمنان، بارها به بحث و گفتگو نشستند (ر.ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۳۱-۶۰).

از آنجا که بسیاری از این مناظره‌های اعتقادی براساس گفتگوهای دوطرفه شکل می‌گرفتند، به کسانی که در این مباحث وارد می‌شدند و می‌اندیشیدند و سخن می‌گفتند، اهل کلام گفته می‌شد. چنان که ابن‌ابی‌العوجاء به مفضل بن عمر می‌گوید: اگر تو اهل کلامی با تو سخن می‌گویم (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۵۸). و فردی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: آن یک (از یارانتان) را از کلام بازداشته‌ای و این یک را بدان فرمان داده‌اید؟ و امام علیه السلام پاسخ داد: این یک از دلیل‌ها آگاه‌تر و از آن یک باگذشت‌تر بود (شیخ مفید، ۱۴۱۴ الف، ص ۷۱). و عبدالاعلی آل‌سام به امام صادق علیه السلام گفت: مردم بر من عیب می‌گیرند که اهل کلام هستم (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۱۳۶). و هشام بن حکم گوید: در منا پانصد پرسش از کلام از امام صادق علیه السلام پرسیدم و او در پاسخ یک‌یک آنها فرمود: آنان چنان می‌گویند و تو چنین بگو (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۶۲).

از این گزارش‌های تاریخی و دیگر نمونه‌ها استفاده می‌شود که اصطلاح «کلام» به معنای دانشی که درباره باورهای دینی سخن می‌گوید، در زمانه امام صادق علیه السلام نیز کاملاً رایج بوده است.

در زمان مأمون عباسی و خلفای پس از وی نزاع پردامنه و شدیدی میان مسلمانان رخ داد که: آیا کلام خداوند مخلوق است؟! آیا قرآن مجید حادث است یا قدیم؟!^۱

مأمون، معتصم و واثق عباسی، معتزلی مذهب بودند، بر این اساس، قرآن کریم را مخلوق و حادث (پدیده) می‌دانستند، والوائق بالله در این عقیده تعصب شدید ورزید. پس از این خلفای معتزلی مسلک، متوکل عباسی باورهای اهل حدیث را مقدم داشت، مخلوق دانستن قرآن و قابل رؤیت بودن خداوند را از شرایط ایمان شمرد و بر این باورها تعصب ورزید. از میان عالمان سرشناس، تنها احمد بن حنبل و پیروان وی، این رویه سخت و خشن را تأیید کردند (ر.ک: مدرسی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۳۲۳-۳۲۵). به نظر می‌رسد در پی بالا گرفتن بحث درباره کلام الهی بود که اصطلاح «علم کلام» رواج بیشتری یافت و به مجموعه مباحث مربوط به اعتقادات، از توحید و نفی تشبیه و رؤیت و علم و کلام الهی تا معاد و قیامت، علم کلام گفته شد (ابن خلکان، ۱۹۹۴، ج ۴، ص ۲۷۱).^۱

۱. ابن خلکان این نظریه را تقویت کرده است که اصطلاح علم کلام به دلیل رواج بحث خلق قرآن پدید آمد. وجوه دیگری نیز درباره وجه تسمیه علم اعتقادات به کلام گفته شده است.

عبداللین ایجی (م ۷۵۶ق) در تعریف علم کلام می‌نویسد: «کلام دانشی است که بدان می‌توان عقاید دینی را به واسطه ادله و پاسخگویی به شبهه‌ها اثبات کرد. و عقاید را آن می‌داند که مقصود از آن باور داشتن آن است نه فعل و کردار آن» (ایجی، ۱۹۹۷، ج ۱، ص ۳۱).^۱ و مسعود تفتازانی (م ۷۹۳ق) در تعریف کلام می‌نویسد: «کلام، همانا دانستن عقاید دینی براساس ادله یقینی است» (تفتازانی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۵).^۲

بیشتر متکلمان مسلمان بر این باورند که موضوع علم کلام، اعتقادات دینی است که بر محور توحید، صفات خدا، نبوت و معاد شکل می‌گیرد. این دانش وظیفه اثبات این عقاید و دفاع از آن و پاسخگویی به شبهات مطرح شده درباره آن را براساس ادله عقلی و نقلی بر عهده دارد. بنابراین، علم کلام را می‌توان چنین تعریف کرد: دانشی که در آن باورهای دینی بیان شده و بر پایه دلیل عقلی یا نقلی و پاسخگویی به شبهات اثبات می‌شود.

نکته قابل توجه در این مقام، بیان تفاوت کلام و فلسفه دین است. فلسفه دین، فلسفه مضاف به دین است؛ اندیشیدن درباره مؤلفه‌ها و آموزه‌های اصلی دین و ارزیابی نقادانه از آنهاست که الزاماً به نفی یا اثبات آنها نمی‌رسد. با توجه به این تعریف، به تفاوت‌های کلام و فلسفه دین پی می‌بریم. کلام، دانشی درون‌دینی است و در پی تبیین، مستدل ساختن و دفاع از باورهای دین یا مذهب خاصی برمی‌آید، و از سویی، وامدار دین یا مذهب است و از سویی دیگر، موظف است از آن دین یا مذهب دفاع کند. فلسفه دین، دانشی برون‌دینی است، وامدار دین و مذهب خاصی نیست و البته خود را موظف به دفاع از دین یا مذهب خاصی نمی‌داند؛ بلکه به مطالعه نقادانه از اصول، آیین‌ها و آموزه‌های ادیان و مذاهب می‌پردازد.

آنچه در این کتاب بدان می‌پردازیم، مبانی کلامی تفسیر قرآن کریم است. دانش «کلام» در این عنوان هر مبحثی را که بر پایه ادله عقلی و نقلی به تبیین، مستدل ساختن یا باورهای اسلامی - شیعی بپردازد، دربر می‌گیرد.

۳-۱. تفسیر قرآن کریم

خلیل بن احمد فراهیدی (م ۱۷۰ق) تفسیر را به معنای بیان (آشکارسازی) شمرده است (فراهیدی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۶۱، ماده فسر).

۱. «الكلام علم يقتدر معه على إثبات العقائد الدينية بإيراد الحجج و دفع الشبه».

۲. «الكلام هو العلم بالعقائد الدينية عن الأدلة اليقينية».

راغب اصفهانی (م ۵۰۲ق) در معنای ماده «فسر» می‌نویسد: «دو ماده فسر و سفر در معنا — مانند حروفشان — به یکدیگر نزدیک‌اند، سفر، آشکار ساختن چیزها در برابر چشم است گفته می‌شود: سَفَرَتِ الْمَرْأَةُ عَنْ وَجْهِهَا؛ زن چهره‌اش را آشکار کرد. اسفرت و اسفر الصبح؛ بامداد آشکار شد» (راغب اصفهانی، بی‌تا، ماده فسر).

واژه تفسیر یک‌بار در قرآن کریم آمده است: «وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا» (فرقان، ۳۳).^۱ همچنین افعال مشتق از آن در سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بسیار استفاده شده است، از آن حضرت نقل است که فرمود: «مَنْ فَسَّرَ الْقُرْآنَ بِرَأْيِهِ فَقَدْ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكُذْبَ» (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳۶، ص ۲۲۷).^۲

تفسیر قرآن، یکی از مهم‌ترین دانش‌های اسلامی از عصر پیامبر صلی الله علیه و آله شمرده شد و افرادی در مقام مفسر، پرسش‌های قرآنی مردمان را پاسخ می‌دادند. نافع بن ازرق آنگاه که عبدالله بن عباس (م ۶۸ق) را در مسجد الحرام دید که مردمان معانی آیات را از او می‌پرسند، به اطرافیانش گفت: «قم بنا الى هذا الذى يجترئ على تفسير القرآن بما لا علم له» (سیوطی، ۱۳۸۰، ج ۱، ص ۱۴۳).^۳ ابن عباس، واژه تفسیر را در آیه قرآن به معنای تفصیل دانسته است (سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۷، ص ۳۵۰). تفسیر را «سخن گفتن از اسباب نزول و شأن نزول و داستان‌های مربوط به آنها» (یغوی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۳۴)، «بحث از مدلول کلام و وضع معنای آن» (فخرالدین رازی، ۱۴۱۵، ج ۲۴، ص ۸۰)، «علمی که از حالات الفاظ و کلام از حیث دلالت بر مراد خداوند متعال بحث می‌کند» (حاجی خلیفه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۲۷).^۴ «کشف مراد از لفظ مشکل قرآن» (طبرسی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۳۹) تعریف کرده‌اند. محمد زرکشی (م ۷۹۴ق) تفسیر را چنین تعریف می‌کند: «کشف معانی القرآن و بیان المراد» (بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۲، ص ۲۸۶).^۵ مرحوم آیت‌الله خویی نیز تفسیر را «آشکار ساختن مراد خداوند از قرآن کریم» می‌داند (بحرانی، ۱۴۱۵، ص ۲۷۰). و علامه طباطبایی نیز تفسیر قرآن را «بیان معانی آیات قرآن و کشف مقاصد و مدلولات آن» می‌شمارد (طباطبایی، ۱۳۹۴، ج ۱، ص ۲، مقدمه).

۱. «و هیچ نمونه و مثالی برای تو نیاورند، مگر آنکه پاسخی به حق و نیکوترین بیان برای تو آوریم».

۲. «هر کس قرآن را به رأی خویش تفسیر کند، بر خدا دروغ بسته است».

۳. «برخیز نزد این کس برویم که بدون آنکه دانشی داشته باشد بر تفسیر قرآن جرأت پیدا کرده است».

۴. این قول منسوب به تفتازانی است و حاجی خلیفه از وی نامبرده است.

۵. «تفسیر، آشکار کردن معانی قرآن و بیان مراد خداست».

از مجموعه این تعریف‌ها استفاده می‌شود که علم تفسیر در دو مرحله قابل شناسایی است؛ مرحله نخست، آشکار ساختن معانی آیات قرآن براساس برآمد واژگان و ظاهر کلام و مرحله دوم آشکار ساختن مراد خداوند از آیات براساس مجموعه قرینه‌ها. بنابراین، می‌توان تفسیر قرآن را «دانشی دانست که بر پایه علوم ادبی و عربی، معنای آیات قرآن را پدیدار می‌کند و براساس مجموعه قرائن درونی و بیرونی، مراد خداوند را از آیات وحی آشکار می‌سازد».

از این رو، بسیاری از مفسران هشدار داده‌اند که ایراد موضوعات و مباحث جانبی در کتاب‌های تفسیری، خروج از تعریف و تحدید علم تفسیر است. ابوحنیف اندلسی بر زمخشری اشکال کرده است که در تفسیر آیه اول سوره بقره درباره حروف مقطعه سخن گفته و همچنین ذیل آیه ۲۳ سوره بقره، فواید تفصیل و تقطیع سوره‌ها و آیات را برشمرده است، حال آنکه این دو مطلب از علم تفسیر خارج‌اند (اندلسی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۲۸). محمد شوکانی در ابتدای تفسیر سوره اسراء بیان کرده که مفسران در اینجا داستان اسراء و فضایل مسجدالحرام و مسجدالاقصی را آورده‌اند که اینها همه خارج از علم تفسیر هستند (شوکانی، ۱۴۱۴، ج ۴، ص ۲۸۳). ابن عاشور نیز ذیل آیه دوم سوره مجادله متذکر می‌شود که بیان احکام ظهار در این موضع از موضوع تفسیر خارج است (تونسی، ۱۹۸۴، ج ۱۴، ص ۴۳۵).

هرچند ممکن است به آثاری با گرایش‌های مختلف فلسفی، کلامی، عرفانی، باطنی و...، تفسیر قرآن گفته شود؛ ولی باید توجه داشت که اطلاق این نام از سوی پدیدآورنده اثر یا دیگران نمی‌تواند آن اثر را در شمار تفسیرهای قرآن قرار دهد. «تفسیر قرآن»، همان‌گونه که از نامش برمی‌آید، اثری است که معانی آیات قرآن را آشکار سازد. قرآن کریم، به زبان عربی است و ما مسلمانان بر این باوریم که قرآن سخن خداوند است. از این روی، تنها آثاری را تفسیر قرآن می‌دانیم که بر پایه علوم ادبی و عربی، معنای آیات قرآن را آشکار سازند و براساس مجموعه قرائن درونی و بیرونی، مراد خداوند را از آیات وحی بیان کنند. آثاری دیگر مرتبط با قرآن کریم پدید می‌آید که نمی‌توان آنها را «تفسیر قرآن» نامید؛ بلکه آثاری در حوزه‌ها و گرایش‌های مختلف معرفتی هستند که گاه از قرآن بهره برده‌اند و گاه اندیشه‌ها و یافته‌هایی را بر قرآن تحمیل کرده‌اند.

۴-۱. مبانی کلامی تفسیر قرآن

با توجه به تعریف مبنا، مبانی کلامی تفسیر قرآن، گزاره‌هایی هستند که به گونه‌ای مستقیم یا با واسطه، پایه و اساس منابع، قواعد و یا محتوای تفسیر آیات قرآن می‌شوند و بدین گونه در تفسیر آیات قرآن کریم تأثیرگذارند.

تفسیر قرآن، بر مبانی پرشماری استوار است. این مبانی ممکن است در علوم مختلف از جمله علوم قرآن‌شناسی، زبان‌شناختی، اصول فقه، علوم حدیث، و کلام بررسی شوند. آن دسته از مبانی تفسیر قرآن را که در حوزه علم کلام بررسی و تحقیق می‌شوند؛ مبانی کلامی تفسیر قرآن می‌نامند. آقای محمدکاظم شاکر درباره جایگاه مبانی کلامی تفسیر می‌نویسد: تردیدی نیست که اختلافات مذهبی و کلامی مفسران سبب تمایز تفسیرها در تبیین پاره‌ای از آیات قرآن کریم شده‌اند. برای مثال، نحله‌های کلامی چون شیعه، معتزله، اشاعره و ماتریدیه در آیات مربوط به صفات، اسماء و افعال خداوند، عصمت پیامبران و نیز در برخی از آیات احکام، تفسیری متفاوت از یکدیگر عرضه کرده‌اند. این مفسران به‌واقع، در انتخاب مبانی، اصول، قواعد و منابع تفسیر، گزینه‌های متفاوتی را برگزیده‌اند (شاکر، ۱۳۸۲، ص ۵۳).

مسائل کلامی همچون ذاتی دانستن صفت علم، عینیت صفات ذاتی و ذات باری تعالی، حسن و قبح عقلی و عدل الهی و...، که براساس آنها منابع، قواعد و یا محتوای تفسیر (همه یا برخی) آیات قرآن شکل می‌گیرند؛ مبانی کلامی تفسیر قرآن نام دارند.

از این رو، می‌توان مبانی کلامی تفسیر را به سه دسته مبانی تأثیرگذار در منابع تفسیر، مبانی تأثیرگذار در قواعد تفسیر و مبانی تأثیرگذار در محتوای تفسیر آیات قرآن تقسیم کرد.

همچنین مبانی کلامی تفسیر قرآن کریم، گاه عام و گسترده و در تفسیر همه آیات قرآن کریم تأثیرگذار هستند. برای نمونه، یکی از مبانی کلامی تفسیر آن است که خداوند عادل است، بدان معنا که زشتی، ناراستی، بیهوده‌کاری و متناقض‌گویی از او سر نمی‌زند. این مبنا در تفسیر همه آیات قرآن تأثیر دارد و سخنان خداوند را از مهمل‌گویی، معماگویی و تناقض به دور می‌دارد. گاه مبانی کلامی خاص و ویژه‌اند و تنها در تفسیر دسته‌ای از آیات قرآن تأثیرگذار هستند.

بر پایه دو تقسیم پیشین می‌توان تقسیمی دیگر را نیز بنا کرد. آن دسته از مبانی کلامی که در هر سه حوزه منابع، قواعد و محتوای تفسیر تأثیرگذارند و تفسیر همه آیات قرآن مبتنی بر آن مبانی شکل می‌گیرد، مبانی کلامی کلان هستند و آن دسته از مبانی کلامی که در یکی از حوزه‌های تفسیر و برخی از آیات قرآن تأثیرگذار هستند مبانی کلامی خرد نام دارد.

همچنین می‌توان مبانی کلامی تفسیر قرآن را در چهار دسته جای داد: مبانی کلامی در حوزه خداشناسی، مبانی کلامی در حوزه قرآن‌شناسی، مبانی کلامی در حوزه پیامبرشناسی، و مبانی کلامی مربوط به مخاطبان قرآن کریم (آدمیان). این تقسیم بر این اساس شکل می‌گیرد که قرآن کریم، وحی الهی است که فرستنده آن خداوند متعال و دریافت‌کننده آن پیامبر ﷺ است و مخاطبان آن آدمیان‌اند.

البته برخی مبانی کلامی که در این کتاب بررسی شده‌اند در این چهار دسته جای نمی‌گیرند. هرچند این تقسیم بر بیشتر مبانی کلامی صادق است: شش مبانی کلامی در حوزه خداشناسی، نه مبانی کلامی در حوزه قرآن‌شناسی، سه مبانی کلامی در حوزه پیامبرشناسی، و دو مبانی کلامی مربوط به مخاطبان.

نکته مهم در اینجا توجه به تفاوت میان مبانی تفسیر کلامی و مبانی کلامی تفسیر است. تفسیر کلامی؛ رویکردی تفسیری است که بیشتر به جنبه‌های کلامی آیات قرآن می‌پردازد و بر نتایج کلامی تفسیر قرآن تأکید می‌کند. این رویکرد بر پایه مبانی و راهکارهایی ویژه شکل گرفته و در برابر رویکردهای ادبی، اجتماعی، آثری و فقهی به تفسیر قرآن قرار می‌گیرد، ولی مبانی کلامی تفسیر، آن دسته از مباحث کلامی هستند که در هر رویکرد، مکتب و روش تفسیری مبنا قرار داده می‌شود و چشم‌پوشی و عدول از آن مبانی در هیچ‌یک از گونه‌ها و مکاتب تفسیری روانیست.

۵-۱. تحلیل مبانی کلامی

در این پژوهش، نخست مبانی کلامی تأثیرگذار در تفسیر قرآن، تبیین و تشریح و مستدل می‌شوند. این مبانی ممکن است به پشتوانه ادله عقلی یا نقلی، یا هر دو، اثبات شوند. برای نمونه، عقل درک می‌کند که جسم حادث و محتاج است، و خداوند از این دو منزّه است. پس خداوند جسم و جسمانی نخواهد بود.

پس از این ثابت می‌شود که شیخ طوسی این مبحث کلامی را در تفسیر قرآن مبنا قرار داده و منابع، قواعد یا محتوای تفسیر آیاتی را بر آن پایه گذاشته است. این مطلب براساس تصریح شیخ طوسی، یا ذکر نمونه‌هایی از تأثیرگذاری آن مبحث کلامی در تفسیر شیخ طوسی اثبات می‌شود. برای مثال، شیخ طوسی آیاتی را که در ظاهر جهت‌مندی، یا جوارح و اندام‌ها را به خداوند نسبت می‌دهند، براساس اصل کلامی «نفی جسمانیت» تفسیر می‌کند.

سپس و در مرحله سوم، مبنا بودن مبحث کلامی برای تفسیر قرآن از دیدگاه شیخ طوسی تحلیل می‌شود. به بیان دیگر، بخش تحلیل، حلقه اتصال مبحث کلامی و مبانی تفسیری است. این تحلیل ممکن است تحلیلی عقلی باشد، بدین معنا که براساس تبیین عقلی صرف و مبتنی بر ادله عقلی شکل گیرد. در همان نمونه پیشین، تحلیل عقلی مبانی کلامی چنین شکل می‌گیرد: بر پایه ادله عقلی و نقلی قطعی، خداوند جسم نیست و از همه ویژگی‌های جسمانی منزّه است. و همچنین بر پایه ادله عقلی و نقلی ثابت شده که خداوند صادق است و سخنی برخلاف

واقع و ناراست نمی‌گوید. آیاتی از قرآن به ظاهر خویش، ویژگی‌های جسمانی همچون اندام و جهت و دیده شدن را بر خداوند برمی‌شمرند و این معنای ظاهری، خلاف واقع و ناراست است. و از آنجا که خداوند راستگو و درست‌گفتار است، این معنای ظاهری ناراست، مراد و مقصود خداوند از سخنانش نیست. پس باید از ظواهر آیاتی از قرآن کریم که ویژگی‌های جسمانی را بر خداوند روامی‌دارد، گذشت و این آیات را باید بر پایه مبنای کلامی نفی جسمانیت تأویل کرد. و گاه مبنا بودن مبحث کلامی برای تفسیر قرآن بر پایه مبنا و روش عقلایی (خردمندانه) تحلیل می‌شود. در نمونه پیشین (نفی جسمانیت و آیات ظاهر در جسمانیت)، افزون بر تحلیل عقلی، می‌توان تحلیلی عقلایی را نیز بدین گونه ارائه داد: خداوند در آیاتی از قرآن به صراحت خود را یکتا شمرده و هیچ چیز را همانند خویش ندانسته است^۱ و ظاهر آیاتی دیگر ویژگی‌های جسمانی را بر خداوند برمی‌شمرد. چهار روش بیشتر وجود ندارد؛ اول آنکه آیات صریح در نفی همانند و مثل را پیش اندازیم و آیات ظاهر در جسمانیت را تأویل کنیم؛ دوم آنکه آیات ظاهر در جسمانیت را پیش رو بگذاریم و از آیات صریح در نفی مثل درگذریم؛ سوم آنکه از داوری میان این دو دسته خودداری کرده و در برابر این ناسازگاری سکوت کنیم و چهارم آنکه هر دو دسته آیات را بپذیریم و هیچ یک را تأویل نکنیم و تناقض‌گویی را بر خداوند روا بدانیم. عاقلان در مواجهه با چنین رویدادی چه می‌کنند؟

عاقلان، سخنان سخنگوی حکیم را بر تناقض‌گویی و ناسازگاری حمل نمی‌کنند. همچنین مهمل‌گویی یا معماگویی را در سخن حکیم روانمی‌دانند؛ پس راه‌های سوم و چهارم برخلاف طریقت عقلاست و عاقلان هیچ‌گاه سخنان صریح متکلمی را رها نمی‌کنند تا ظاهر سخنی دیگر را به دست گیرند، پس راه دوم نیز غیر عقلایی و نابخردانه است. خردمندان در چنین آوردگاهی با پذیرش سخنان صریح (نص) از ظاهر سخن دیگر دست می‌کشند و ظاهر را بر نص حمل می‌کنند. پس تنها، راه نخست عقلایی است و باید از ظواهر آیات جسمانیت گذر کرد و نصوص نفی شبیه و مثل را مقدم داشت.

در این مقام این تذکر لازم است که روش و طریقت عاقلان — از آن روی که عاقل‌اند — همواره بر پایه برهانی عقلی شکل می‌گیرد. به بیانی دیگر، رویه عاقلان، اعتباطی و بی‌دلیل، یا براساس فرهنگ یا ملیت، یا دین خاصی شکل نگرفته؛ بلکه همه مبانی و سیره‌های عقلایی از

۱. مانند آیات: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» (اخلاص، ۱)؛ «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (شوری، ۱۱).

همان ویژگی عاقل بودن و کاربست عقل و خرد سرچشمه گرفته است. بنابراین، تحلیل عقلایی نیز زیربنایی عقلانی دارد (اشتهاردی، ۱۳۶۸، ص ۲۵۱؛ طباطبایی حکیم، ۱۴۱۶، ج ۴، ص ۲۵).^۱

۲. کلیات

در این بخش به مباحث کلی خواهیم پرداخت که به همه کتاب ارتباط دارند.

۲-۱. مناسبات علم کلام و تفسیر قرآن

تفسیر قرآن کریم و علم کلام رابطه‌ای دوسویه دارند. از سویی متکلمان همه فرقه‌های اسلامی در استدلال بر عقاید خویش و رد عقاید فرقه‌های دیگر به آیات قرآن و تفسیر آن آیات تمسک می‌کنند. خوارج بر پایه تفسیر خاصی از آیه «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (انعام، ۵۷)،^۲ حکمیت را نپذیرفتند و از امیرمؤمنان (علیه السلام) و جرگه یاران او جدا شدند (سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۴۰) و البته در استدلال بر دیگر عقاید خویش مانند کفر شخص گناهکار نیز به آیات قرآن استناد کردند. استنادها و استدلال‌های متکلمان به آیات قرآن همواره از این روی محل تأمل و بررسی هستند که آیا آن متکلم باور خویش را از قرآن کریم دریافت کرده است، یا اینکه به دنبال آن است که آیه یا آیاتی را موافق باور خویش بیابد و ارائه دهد. آیا باور کلامی ریشه در تفسیر آیات وحی دارد، یا آنکه باور کلامی منشأ فهم و تفسیری دگرگونه از آیه است.

ائمه اطهار (علیهم السلام) برای استدلال در حوزه‌های مختلف؛ از جمله توحید، عدل، نبوت، امامت و معاد، به آیات قرآنی استناد کرده‌اند. چنان که در رد باور جبر و تفویض به آیه «إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ» (حمد، ۵؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۱۱۶، حدیث ۳۲)^۳ و برای انحصار وصف خالقیت در خداوند به آیه «أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ» (رعد، ۱۶؛ حویزی، ۱۴۲۲، ج ۲، ص ۴۹۲، ح ۷۴)^۴ و برای اثبات باور رجعت به آیه «وَيَوْمَ نَخْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا» (نمل، ۸۳؛ بحرانی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۲۱۱، حدیث ۱۵ و ۱۶)^۵ استدلال کرده‌اند. بر این اساس، متکلمان شیعه نیز آیات قرآنی را در پیشانی ادله خویش می‌آورند. در این موارد، بر باورهای کلامی به آیات قرآن

۱. آیت الله بروجردی و آیت الله روحانی این مطلب را در درس خارج اصول خویش بیان کرده‌اند.

۲. «حکم (حکومت) تنها از آن خداست». ۳. «تنها از تو کمک می‌خواهیم».

۴. «یا آنکه برای خداوند همتایانی قرار دادند که همانند آفرینش او آفریده‌اند».

۵. «و روزی که از هر امتی، گروهی که نشانه‌های ما را دروغ می‌شمرند را گرد آوریم».

استدلال شده است. این تأثیر تا بدانجا پررنگ می‌شود که گاه فرقه کلامی بیشتر به همان آیه مورد استناد فرقه شناخته می‌شود، همان‌گونه که خوارج را به آیه «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» (انعام، ۲۵۷) می‌شناسیم، یا حتی نام فرقه‌ای از آیه مورد استناد آنان برگرفته می‌شود؛ همان‌گونه که نام فرقه شعوبیه را از آیه «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا» (حجرات، ۱۳)^۱ برگرفته‌اند.^۲

تأثیر علم تفسیر قرآن کریم در مجادلات و استدلال‌های کلامی را می‌توان به دو گونه تقسیم کرد؛ گاه فرقه‌های کلامی، تفسیرهای مختلفی از یک آیه ارائه می‌دهند و هر یک بر پایه تفسیر خویش بدان آیه استناد می‌کند. همان‌گونه که گذشت، خوارج آیه «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ» را به معنای نفی هر نوع داوری و حکمرانی، جز برای خداوند دانستند؛ در حالی که امیرمؤمنان علی (علیه السلام) در بیانی، خطای آنان را در استناد بدین آیه، چنین بیان می‌فرماید: «کلمة حق یراد بها باطل، نعم إنه لا حکم إلا لله و لكن هؤلاء یقولون: لا إمرة إلا لله. و إنه لابد للناس من أمیر برّ أو فاجر» (سیدرضی، نهج البلاغه، خطبه ۴۰).^۳

و گاه فرقه‌های مختلف کلامی در مقدم ساختن و محکم یا متشابه دانستن آیات قرآن با یکدیگر اختلاف دارند و این اختلاف در اندیشه‌های کلامی آنان بسیار تأثیرگذار است. چنان که متکلمی آیات «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ» (انعام، ۱۰۳)^۴ و «لَنْ تَرَانِي» (اعراف، ۱۴۳)^۵ را از آیات محکمه می‌شمارد و آیه «إِلَىٰ رَبِّهَا نَاظِرَةٌ» (قیامت، ۲۳)^۶ را آیه متشابه می‌شمارد و متکلمی دیگر به عکس عمل می‌کند. از سوی دیگر، عقاید کلامی نیز در تفسیر آیات قرآن تأثیر بسیار دارند. این تأثیر در سه حوزه منابع، قواعد و محتوای تفسیر قابل پیگیری است.

بی‌تردید، باورهای کلامی در تعیین و تحدید منابع تفسیر قرآن تأثیرگذار هستند. یکی از روشن‌ترین نمونه‌های این تأثیرگذاری را می‌توان استناد تفسیر در عموم اهل تسنن به اقوال

۱. «ای مردم ما شما را از نور و ماده‌ای آفریدیم و شما را تیره‌ها و ایل‌هایی قرار دادیم تا (یکدیگر) را بشناسید».

۲. محمد کردعلی در مجله المقتبس (ش ۳۷، ص ۳۰)، شهید مطهری (کتاب نهضت‌های اسلامی در صدساله اخیر، ص ۱۱) و دکتر احمد وائلی (کتاب هویة الشیخ)، ص ۲۰۷ بدین مطلب تصریح می‌کنند. از کتاب المغرب فی حلی المغرب (ج ۱، ص ۱۵۸)، اثر علی بن سعید مغربی (م ۶۸۵ق) نیز چنین مطلبی برمی‌آید.

۳. «سخن حقی است که از آن معنای باطلی اراده شده؛ آری، هیچ حکمی جز برای خدا نیست، ولی اینان می‌گویند: هیچ حکومتی جز برای خدا نیست! حال آنکه چاره‌ای نیست که مردم را حکومتی باشد؛ نیکوکار یا تبه‌کار».

۴. «چشم‌ها او را در نمی‌یابند».

۵. «هرگز مرا نخواهی دید».

۶. «به سوی خداوند نگرنده است».

صحابه و پرهیز از استدلال‌های عقلی، و از آن سو استناد مفسران شیعه به احادیث منقول از ائمه اطهار (علیهم‌السلام) و استدلال‌های عقلی دانست.

گاه باورهای کلامی در قواعد تفسیر قرآن تأثیرگذارند. برای نمونه، متکلمان عدلی بر این باورند که آنچه را عقل مستقل قبیح بشمارد، از خداوند صادر نخواهد شد. خلف وعده در دید عقل و عاقلان قبیح است، پس خداوند هیچ‌گاه وعده خویش را نقض نخواهد کرد. بر این اساس، مفسران عدلیه، به قاعده‌ای در تفسیر قرآن دست پیدا می‌کنند: نسخ — به مفهوم مصطلح — در آیات مشتمل بر وعده‌های الهی راه پیدا نمی‌کند و اگر ناسازگاری میان این دست آیات دیده شود، این ناسازگاری بدوی را به گونه‌ای، به جز نسخ، باید پاسخ گفت.

تأثیر مباحث کلامی در محتوای تفسیر نیز بسیار روشن است. برای نمونه، متکلمان عدلی مسلک، علم را یکی از صفات ذاتی خداوند و صفات ذاتی را عین ذات می‌دانند. بر این پایه علم الهی کاسته و افزوده نمی‌شود و حوادث و پدیده‌ها بر آن تأثیرگذار نیستند. این مبانی کلامی در تفسیر آیاتی چون: «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ» (توبه، ۱۶)^۱ و «وَلَتَبْلُوَنَّهُمْ حَتَّى نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ» (سوره محمد، ۳۱)^۲ بس تأثیرگذار است.

۲-۲. شیخ طوسی

ابوجعفر، محمد بن حسن بن علی طوسی، ماه رمضان سال ۳۸۵ق در طوس متولد شده و تا ۲۳ سالگی در طوس زیسته و به تحصیل علوم دینی اشتغال داشته است. خلیفه عباسی القادر بالله (۳۸۱-۴۲۲ق) به سال ۴۰۸ق، سلطان محمود غزنوی را فرمان می‌دهد که سنت را در بلاد خراسان گسترش دهد. این فرمان در زمانه‌ای از سوی خلیفه عباسی صادر می‌شد که فرقه‌های گوناگون دینی و فکری مانند اسماعیلیه، معتزله، امامیه، جهمیّه، مشبّهه، فلاسفه و... در خراسان بزرگ می‌زیستند. در پی این فرمان، سلطان غزنه مخالفان اندیشه رسمی خلافت عباسی را به زندان افکند و تبعید کرد و گاه به تهمت ارتداد و الحاد، گردن زد. بی‌گمان سختگیری‌ها و تنگ‌نظری‌های سلطان غزنه، انگیزه دانش‌پژوهانی مانند شیخ طوسی را برای مهاجرت از خراسان بیشتر می‌ساخت. شیخ به سال ۴۰۸ق، به بغداد رفت، در زمانه‌ای که شیخ مفید، ابوعبدالله محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۳۳۶-۴۱۳ق)، ریاست دینی و علمی شیعیان را بر عهده داشت. بغداد مرکز خلافت

۱. «آیا پنداشتید که واگذاشته می‌شوید، حال آنکه خداوند آن کسان از شما که جهاد کرده‌اند را نداند؟».

۲. «و بی‌گمان شما را می‌آزماییم تا مجاهدان و بردباران از شما را بشناسیم».

عباسی و تمدن اسلامی بود و آزادی فکری و دینی از زمان آل بویه باقی مانده بود و بزرگان سرشناسی از فرقه‌های مختلف اسلامی در بغداد قرن پنجم می‌زیستند. از جمله: شیخ مفید، علی بن حسین موسوی معروف به سیدمرتضی (۳۵۵-۴۳۶ق)، و محمد بن حسین موسوی معروف به سیدرضی (۳۵۹-۴۰۶ق)، از بزرگان شیعه امامیه؛ علی بن محمد بن حبیب بصری ماوردی، صاحب کتاب الاحکام السلطانیة (م ۴۵۰ق) و ضیاءالدین عبدالملک بن عبداللّه جوینی، امام الحرمین (۴۱۹-۴۷۸ق) و عبدالسعید بن محمد، معروف به ابن الصباغ (۴۰۰-۴۷۷ق) از فقهای و بزرگان شافعی؛ محمد بن طیب باقلانی (م ۴۰۳ق) متکلم اشعری؛ ابوالحسین محمد بن علی طیب بصری (م ۴۳۶ق) متکلم معتزلی؛ محمد بن علی دامغانی (۳۹۸-۴۷۸ق) سرآمد مذهب حنفی و علی بن محمد الظفری (۴۳۱-۵۱۳ق) فقیه و متکلم حنبلی.

شیخ طوسی پنج سال آخر عمر شیخ مفید از محضر شیخ استفاده کرد، سیدمرتضی پس از شیخ مفید، زعامت شیعیان را بر دوش گرفت. وی نقابت علویان و امارت حج، دیوان مظالم و منصب قاضی القضااتی را نیز بر عهده داشت. سابور بن اردشیر (۳۳۶-۴۱۶ق) وزیر ادیب و دانشمند عضدالدوله آل بویه، مرکزی علمی با نام دارالعلم بنا نهاد و آن را در اختیار سیدمرتضی قرار داد و ادیبان، شاعران، فقیهان، محدثان و متکلمان از هر فرقه و مذهبی در جلسات بحث و مناظره سیدمرتضی در دارالعلم حاضر می‌شدند.

شیخ طوسی برجسته‌ترین شاگرد سیدمرتضی به شمار می‌آمده است. وی در زمان حیات استاد، مصنفات و تألیفات خویش را آغاز می‌کند. سیدمرتضی در برابر کتاب المغنی، اثر قاضی عبدالجبار معتزلی، کتاب الشافی فی الامامه را نوشت و شیخ طوسی این کتاب را به سال ۴۳۲ق، خلاصه کرد و تلخیص الشافی نام نهاد. هرچند شیخ مفید و سیدمرتضی دو استاد اصلی شیخ طوسی‌اند، ولی شیخ در محضر استادان دیگری نیز حاضر می‌شد که آنان را بیش از سی نفر برشمرده‌اند.

سیدمرتضی به سال ۴۳۶ق، دار فانی را وداع گفت و پس از وی، شیخ طوسی در ۵۱ سالگی زعیم دینی، علمی و اجتماعی شیعه شد. خانه شیخ در محله کرخ بغداد، محل رفت و آمد دانش‌پژوهان و استادان علوم اسلامی از همه فرقه‌های اسلامی شد. در مجلس درس وی بیش از سیصد نفر حضور می‌یافتند.

شخصیت علمی شیخ طوسی، به‌ویژه در حوزه کلام، تا آنجا برتر و والاتر از معاصرانش بود که خلیفه عباسی آن زمان، القائم بامر الله، کرسی کلام را به وی واگذاشت. تصدی این مقام برای

یک عالم شیعی، و به‌ویژه ایرانی، نشان‌دهنده اوج چیرگی وی در این حوزه است که خلیفه عباسی را واداشته تا مقام علمی او را به رسمیت شناسد.

شیخ طوسی بیشتر آثار خویش را در بغداد پدید آورد. به سال ۴۴۷ق، ترکان سلجوقی بر بغداد و دستگاه خلافت عباسی چیره شدند و درگیری‌های مذهبی، به‌ویژه میان اهل تسنن و شیعه، بالا گرفت، تا آنجا که جاهلان به مدرس و خانه و کتابخانه شیخ تاختند و همه را به آتش سوختند. که در میان آن بسیاری از کتاب‌های باارزش و منحصر به فردی که شیخ از استاد خویش سیدمرتضی و از کتابخانه سیدرضی و کتابخانه سابور بن اردشیر به یادگار داشت و برخی از تألیفات خود شیخ، به آتش کینه و نادانی سوختند.

مدتی پس از این شیخ طوسی بغداد را به مقصد نجف اشرف ترک گفت و از سال ۴۴۸ق، در نجف و در ضلع شمالی مرقد امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام سکنا گزید. تعصبات ناشایست امیران سلجوقی ادامه یافت، تا آنجا که طغرل بیگ سلجوقی به سال ۴۵۱ق، محله کرخ و دارالعلم و کتابخانه سابور بن اردشیر را نیز سوزاند.

از زمانه آل‌بویه، شیعیان به نجف توجه کرده بودند و حوزه علمی کوچکی در آن شهر مقدس برپا شده بود، شیخ طوسی این حوزه را رونق بخشید و آن را مرکز و محور جهان تشیع قرار داد. بر این اساس، می‌توان شیخ طوسی را مؤسس حوزه گسترده و پربرکت نجف دانست که هزار سال است بر پای ایستاده و همچنان محل تعلیم و تعلم بزرگان شیعه است. شیخ طوسی دوازده سال در نجف زیست و بیشتر به تدریس و تربیت شاگرد پرداخت و در محرم سال ۴۶۰ق، در ۷۵ سالگی از دنیا رفت و در خانه خویش به خاک سپرده شد. خانه و مرقد وی هم‌اکنون به عنوان مسجد طوسی در نزدیکی مرقد امام علی علیه السلام، زیارتگاه شیعیان است. بر دیوار مسجد ابیاتی در رثای شیخ نقش بسته است که تاریخ وفات وی را با جمله: «ابکی الهدی والدین فقد محمد» نشان داده است.^۱

هرچند شیخ طوسی برتر از آن است که به واسطه تعریف و توصیف دیگران شناخته شود، ولی سخنان برخی بزرگان دینی درباره وی به شناخت بهتر از او کمک می‌کند. علامه حلی (م ۷۲۶ق) درباره وی می‌نویسد: «شیخ الامامیه - قدس الله روحه - رئیس الطائفة جلیل القدر عظیم المنزلة ثقة، عین، صدوق، عارف بالاخبار والرجال والفقہ والاصول والکلام والادب و جمیع

۱. زندگینامه شیخ طوسی با استفاده از کتاب حیاة الشیخ الطوسی اثر، شیخ آقابزرگ تهرانی و کتاب الشیخ الطوسی مفسراً، اثر خضیر جعفر نوشته شده است.

الفضائل تنسب الیه صنف فی کل فنون الاسلام و هو المذهب للعقائد فی الاصول والفروع والجامع لکمالات النفس فی العلم والعمل» (علامه حلی، ۱۴۰۲، ص ۷۳).

کتاب‌های برجای مانده از شیخ طوسی بدین شرح‌اند:

التبیین فی تفسیر القرآن، در فصلی جداگانه درباره این تفسیر مطالبی خواهیم گفت.

الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد، این کتاب الاقتصاد فیما یجب علی العباد نیز نام گرفته که با وجود حجم کم، مباحث مهمی از علم کلام و فقه را دربر دارد. در قسمت نخست، دو اصل توحید و عدالت بررسی شده که در ضمن مسئله عدل، اصول نبوت، امامت و معاد نیز مطرح شده‌اند. در قسمت دوم، کتاب‌های پنج‌گانه صلاة، صوم، زکات، حج و جهاد آورده شده‌اند.

الاقتصاد فیما یتعلق بالاعتقاد، این کتاب شامل پنج فصل: توحید، مباحث وعد و وعید، نبوت، امامت و عبادات است. در فصل اول و بسیاری از عنوان‌ها و مطالب فصل‌های پسین با کتاب الاقتصاد فیما یجب علی العباد یکسان است. البته می‌توان گفت این کتاب، کتاب الاقتصاد الهادی الی طریق الرشاد را دربر گرفته است. به هر روی استناد هر دو کتاب به شیخ طوسی یقینی است، هرچند برخی شرح حال‌نگاران و علمای رجال یکی از این دو کتاب را در فهرست کتاب‌های شیخ طوسی نام برده‌اند.

الرسائل العشر، مجموعه‌ای است از تألیفات کلامی، فقهی و تفسیری شیخ. نام این رساله‌ها در فهرست شیخ طوسی و رجال نجاشی و دیگر کتاب‌های تراجم به گونه مجزا ذکر شده‌اند و الرسائل العشر درواقع نامی برای مجموعه پنج رساله کلامی و پنج رساله فقهی است. رساله‌های کلامی آن عبارت‌اند از: مقدمة فی المدخل الی صناعة علم الکلام، مسائل کلامیة (که با عنوان العقائد الجعفریة جداگانه چاپ شده است)، اعتقادات، الفرق بین النبی والإمام، المفصح فی إمامة أمير المؤمنين علیه السلام. رساله‌های فقهی آن نیز شامل کتاب‌های: عمل الیوم واللیلہ، الجمل والعقود، تحریم الفقاع، الإیجاز فی الفرائض، المسائل الحائریة است. البته در کتاب المسائل الحائریة است، مباحث تفسیری نیز دیده می‌شود.

العدة فی اصول الفقه، شیخ طوسی در این کتاب به بررسی نظریات اصولی فقه‌های شیعه و سنی و نیز مناقشه در آرای مخالف با دیدگاه اصولی خویش پرداخته است. برخی مباحث تفسیری و کلامی نیز در این کتاب طرح شده‌اند، و همچنین برخی مباحث اصولی این کتاب نیز با مسائل تفسیری و کلامی مرتبط هستند.

تلخیص الشافی فی الإمامه، این کتاب شیخ طوسی، خلاصه و چکیده کتاب الشافی فی

الإمامة، اثر سید مرتضی است.

دیگر کتاب‌های برجای مانده از شیخ طوسی از این قرارند: تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، الاستبصار فیما اختلف من الاخبار، الامالی، المبسوط فی فقه الامامیه، النهایة فی مجرد الفقه والفتوی، الخلاف فی الاحکام، الجمل والعقود فی العبادات، الغیبة للحجه، مصباح المتهجد فی عمل السنه، الفهرست، الأبواب (معروف به رجال شیخ طوسی) و اختیار (معرفة) الرجال.^۱

شاگردان بسیاری از محضر شیخ طوسی بهره برده‌اند که نام برخی از معروف‌ترین آنان بدین شرح است: ابوصلاح تقی بن نجم‌الدین حلبی، صاحب کتاب‌های الکافی فی الفقه و تقریب المعارف، ابوالخیر برکة بن محمد برکة اسدی، صاحب کتاب حقائق الایمان، قاضی سعدالدین بن البراج، صاحب کتاب جواهر الفقه، ابوالفتح محمد بن علی کراجکی صاحب کنز الفوائد، شمس‌الدین حسن بن حسین بن بابویه قمی، موفق‌الدین حسین بن الفتح جرجانی، محمد بن حسن الفتال، ابن شهر آشوب سروی مازندرانی، احمد بن ابی منصور سامانی و... .

شیخ طوسی بزرگ پرچمدار شیعیان اهل بیت در عرصه‌های مختلف علمی و اجتماعی است. آثار شیخ در حوزه‌های حدیث، فقه، رجال و تفسیر سرآمد و مرجع و مستند همه آثار پس از وی به شمار می‌آیند.

۲-۳. تفسیر التبیان

تفسیر قرآن کریم در میان اصحاب ائمه اطهار و علمای صدر اول شیعه به نقل احادیث اهل بیت علیهم‌السلام در حوزه تفسیر آیات قرآن منحصر می‌شد، به سخن دیگر، تفسیر شیعی تفسیری اثری و روایی بود؛ تفسیرهایی مانند تفسیر فرات کوفی، تفسیر عیاشی، تفسیر علی بن ابراهیم قمی، ولی پس از غیبت امام دوازدهم علیه‌السلام و گسترش مباحث و مجادلات دینی و ظهور

۱. کتاب‌ها و رساله‌های دیگری نیز به شیخ طوسی نسبت داده می‌شود که یا به صورت مخطوط باقی مانده و به چاپ نرسیده‌اند، یا نسخه‌ای از آنها باقی نمانده است. مانند: أخبار المختار، جوامع الجامع فی مختصر الکشاف، کتاب ما یعلل و ما لا یعلل، ما لا یسع المکلف الإخلال به، المجالس والأخبار، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، المسائل الألیاسیه، المسائل الجیلانیه، المسائل الدمشقیه، المسائل الرازیه، المسائل الرجبیة فی آی القرآن، مناسک الحج، منتهی السؤل فی شرح الفصول، النقص علی ابن شاذان فی مسئلة الغار، هداية المسترشد و بصيرة المتعبد، ریاضة العقول مسئلة فی الاحوال، مسئلة فی مواقیت الصلاة، المسائل الحلبیه، مسائل ابن البراج، مئة مسئلة فی فنون مختلفه، المسائل الجبریه، مختصر فی مقتل الحسین علیه‌السلام، المسائل القمیه، المسائل الرجبیه، مسئلة فی الحُسن والقبیح، تمهید الاصول، فی شرح کتاب جمل العلم والعمل، اصطلاحات المتکلمین، الاستیفاء فی الامامه، هداية المسترشد و بصيرة المتعبد، مختصر عمل يوم و ليله، و مسئلة فی الاحوال.